

کول براین جونز
جنگ سرد

ترجمه بابک محقق



فرهنگ جاوید

فهرست

| | |
|----|------------------------------------|
| ۱۱ | آشنایی با نویسنده |
| ۱۳ | جنگ سرد در یک دقیقه |
| ۱۴ | جنگ سرد در پنج دقیقه |
| ۱۷ | ۱ جنگ سرد به چه معنا بود؟ |
| ۱۹ | جنگ سرد به چه معنا بود؟ |
| ۲۰ | ”قدرت‌های بزرگ“ چه کشورهایی بودند؟ |
| ۲۲ | ایدئولوژی‌های متعارض |
| ۲۴ | تعارض اهداف در اروپا |
| ۲۹ | ۲ اروپا در پایان جنگ جهانی دوم |
| ۲۹ | پایان جنگ در اروپا |
| ۳۲ | یالتا |
| ۳۳ | لهستان |
| ۳۴ | نشست پوتسدام |
| ۴۳ | ۳ بازدارندگی |
| ۴۴ | لهستان |
| ۴۵ | بلغارستان |
| ۴۵ | مجارستان |
| ۴۶ | رومانی |

| | | | |
|-----|---|-----|--|
| ۲۳۵ | بحران سوئز ۱۹۵۷ | ۱۸۳ | خلیج تونکین |
| ۲۳۷ | جنگ شش روزه | ۱۸۵ | عملیات گرد باد |
| ۲۳۹ | جنگ اکتبر | ۱۸۶ | امریکا درگیر جنگ زمینی می شود |
| ۲۴۳ | "مأموریت مقدس" سادات | ۱۸۸ | طرح های صلح |
| ۲۴۴ | ایران | ۱۸۹ | تهاجم تیت |
| ۲۴۶ | جنگ خلیج - نبرد ایران و عراق | ۱۹۰ | ویتنامی سازی |
| ۲۴۸ | افغانستان: ویتنام شوروی | ۱۹۲ | صلح آبرومندانه؟ |
| ۲۵۵ | ۱۳ جنگ سرد در افریقا و امریکای لاتین | ۱۹۲ | تبعات جنگ |
| ۲۵۸ | آنگولا | ۱۹۹ | ۱۰ چکسلواکی |
| ۲۶۳ | شاخ افریقا | ۲۰۰ | بهار پراگ |
| ۲۶۵ | امریکای لاتین | ۲۰۲ | هراس بلوک شرق از اصلاحات |
| ۲۶۶ | شیلی | ۲۰۴ | تهاجم به چکسلواکی |
| ۲۷۰ | نیکاراگوئه | | آیا از نیروهای شوروی دعوت شده بود که قدرت را |
| ۲۷۷ | ۱۴ جنگ سرد دوم | ۲۰۵ | در چکسلواکی به دست بگیرند؟ |
| ۲۷۸ | لهستان | ۲۰۶ | چرا غرب بار دیگر دست روی دست گذاشت؟ |
| ۲۸۲ | مناقشه ها | ۲۰۷ | دکترین برژنف |
| ۲۸۳ | میخائیل گارباچف - تحول در اتحاد شوروی | ۲۱۱ | ۱۱ تنش زدایی ۱۹۷۱-۹ |
| ۲۸۵ | تنش زدایی | ۲۱۳ | انگیزه های متفاوت قدرت های بزرگ |
| ۲۸۷ | ۱۵ پایان نفوذ شوروی در اروپای شرقی | ۲۱۴ | روابط امریکا و چین |
| ۲۸۹ | مجارستان ۱۹۸۸ | ۲۱۷ | امریکا و شوروی |
| ۲۹۰ | آلمان شرقی ۹۰-۱۹۸۹ | ۲۱۸ | مذاکرات مربوط به محدودسازی جنگ افزارها |
| ۲۹۳ | چکسلواکی - انقلاب مخملی ۱۹۸۹ | ۲۲۱ | حقوق بشر: ورود به دستور کار و بی اعتنایی به آن |
| ۲۹۴ | رومانی | ۲۲۳ | پایان تنش زدایی |
| ۲۹۶ | بلغارستان | ۲۲۹ | ۱۲ خاورمیانه |
| ۲۹۶ | یوگسلاوی | ۲۳۱ | منافع امریکا |
| ۳۰۱ | ۱۶ جاسوسان جنگ سرد | ۲۳۳ | درگیری های خاورمیانه |
| ۳۰۴ | علت جاسوسی | ۲۳۳ | مناقشه اعراب و اسرائیل: سابقه |

آشنایی با نویسنده

اصطلاح "جنگ سرد" را معمولاً در توصیف روابط خصمانه امریکای امپریالیست و شوروی کمونیست در اواخر دهه ۱۹۴۰ به کار می‌برند. در طول بیش از پنجاه سال این دو کشور دست به تقویت قوای نظامی خود زدند، در عرصه سیاسی نمایش قدرت دادند و برای هم‌پیمانان و کشورهای اقماری خود کمک‌های نظامی ارسال کردند.

این کتاب مقدمه‌ای است که با زبان ساده و روایی چنین وقایعی را شرح می‌دهد. سه فصل نخست کتاب به آغاز مناقشه می‌پردازد و توضیح می‌دهد که استالین، هم‌پیمان سابق غرب، به چه نحو پس از پایان جنگ جهانی دوم تلاش خود را صرف بسط نفوذ کمونیسم در کل اروپا کرد.

کتاب در ادامه به سراغ تحولات جنگ سرد در سراسر دنیا می‌رود و جوانب متعدد منازعه را بازمی‌شکافد. از جمله این امور می‌توان به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، مسابقه تسلیحاتی، رقابت فضایی، تبلیغات و جاسوسی اشاره کرد.

به اعتقاد من جنگ سرد همواره مایه سوء تفاهم بسیاری افراد شده و در عین حال به جامعه و نهادهای ما شکل بخشیده که تبعات آن تا به امروز باقی مانده است. در نتیجه همین مناقشه، کامپیوتر و جنگ‌افزار و فضاپیما ساخته شده است؛ ابزارهایی که اکنون اهمیت آن‌ها را به معنای واقعی کلمه درک نمی‌کنیم. نهادها و سازمان‌هایی همچون "اتحادیه اروپا" و "سازمان پیمان آتلانتیک شمالی" (ناتو) در غرب و "پیمان ورشو" در شرق به منظور رسیدگی

| | |
|-----|--|
| ۳۰۶ | فناوری و جاسوسی |
| ۳۰۸ | جاسوس‌ها در ادبیات و سینما |
| ۳۱۰ | افراد عادی |
| ۳۱۷ | ۱۷ پایان جنگ سرد |
| ۳۲۰ | جنگ سرد چه تأثیری بر زندگی مردم گذاشت؟ |
| ۳۲۳ | هزینه جنگ سرد چقدر بود؟ |
| ۳۲۷ | برای مطالعه بیشتر |
| ۳۲۹ | اصطلاح‌نامه |
| ۳۳۵ | واژه‌نامه |
| ۳۴۷ | اعلام |
| ۳۶۳ | نمایه |

جنگ سرد در یک دقیقه

مورخان غربی معمولاً جنگ سرد را مبارزه‌ای ایدئولوژیک میان غرب دموکراتیک و اتحاد شوروی کمونیست توصیف می‌کنند و معتقدند که شوروی کوشش خود را صرف گسترش کمونیسم در سراسر جهان کرده بود. با این حال، این مناقشه روایت‌های دیگری نیز دارد. آیا جنگ سرد مبارزه‌ای برای سلطه بر اروپا بود؟ یا جنگ جهانی سوم درازمدتی بود که البته در جریان آن ابرقدرت‌ها چندان درگیر تقابل مستقیم نشدند؟

دیپلمات‌ها سه نوع جنگ می‌شناسند: جنگ داغ که در آن ارتش‌ها درگیر نبرد می‌شوند؛ جنگ گرم که با وجود بسیج نیروها، مذاکرات سیاسی ادامه می‌یابد و امکان یافتن راه حل صلح‌آمیز کماکان وجود دارد؛ و جنگ سرد که دو طرف بی‌آن‌که رودرروی یکدیگر قرار گیرند، کشورهای تابع خود را درگیر می‌کنند و دست به مبارزه نیابتی یا با واسطه می‌زنند.

هیچ‌یک از دو کشور ایالات متحده و اتحاد شوروی خواستار جنگ داغ نبودند، چرا که با ساخت بمب هسته‌ای احتمال نابودی تمدن بشر بر اثر وقوع چنین جنگی افزایش یافته بود. بنابراین، هرچند این دو کشور هرگز درگیر جنگ مستقیم نشدند، اغلب از دشمنان رقبای خود حمایت کردند، علیه یکدیگر جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای به راه انداختند و حتی ورزشکاران آن‌ها در مسابقات بین‌المللی زدوخورد کردند.

جنگ سرد قدرت‌نمایی صرف نبود. درحالی‌که تخاصم میان آمریکا و شوروی به کشورهای دیگر نیز سرایت کرده بود، وقوع چندین جنگ زنگ خطر نبرد رویارو میان دو کشور را به صدا درآورد. محاصره برلین و امدادسانی هوایی به این شهر (۹-۱۹۴۸)، جنگ دو کره (۳-۱۹۵۰)، بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲)، جنگ ویتنام (۷۵-۱۹۶۴) و تهاجم به افغانستان (۸۹-۱۹۷۹) همه‌وهمه جنگ‌های نیابتی و غیرمستقیم میان آمریکا و شوروی بودند. جنگ سرد با فروریختن دیوار برلین در ۱۹۸۹ به پایان رسید. در دسامبر ۱۹۸۹ جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا و میخائیل گارباچف، رئیس‌جمهور شوروی، رسماً به جنگ سرد پایان دادند، اما تنش میان این دو ابرقدرت تا امروز ادامه یافته است.

به امور مربوط به جنگ سرد تأسیس شد. تروریسمی که ردپای آشکار آن را در جامعه امروز خود شاهدیم، ریشه در تاکتیک‌ها و شگردهایی دارد که دو طرف منازعه به قصد تضعیف و تحقیر طرف مقابل در جریان جنگ سرد اتخاذ کردند. درک و فهم میراث جنگ سرد در شناخت جهان مدرنی که امروز در آن زندگی می‌کنیم نقش حیاتی دارد.

امیدوارم از این کتاب لذت ببرید. اگر مایلید چیزهای بیش‌تری درباره این موضوع بدانید به پایگاه‌های اینترنتی و کتاب‌های پیشنهادی در بخش "برای مطالعه بیش‌تر" مراجعه کنید.

کرل براین جونز

جنگ سرد در پنج دقیقه

مورخان برای توافق نظر بر سر جوانب گوناگون جنگ سرد کار دشواری پیش رو داشته‌اند. البته آن‌ها کلاً اتفاق نظر دارند که جنگ سرد به روابط سیاسی، نظامی و دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که متعاقب پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ بین دو کشور ایالات متحده و اتحاد شوروی برقرار شد. شماری از آنان معتقدند که روابط میان این دو کشور پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و ظهور کمونیسم در شوروی تیره‌وتار شده بود.

بسیاری بر این باورند که جنگ سرد به معنای دقیق کلمه در واپسین روزهای جنگ جهانی دوم آغاز شد و در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ به پایان رسید؛ در این سال‌ها دامنه نفوذ اتحاد شوروی کاهش یافت و بسیاری از کشورهای تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی راه مستقل خود را در پیش گرفتند. این کشورها (امریکا و شوروی) قریب به نیم قرن در رقابت بودند؛ رقابت بر سر دست یافتن به قدرت و نفوذ در سراسر دنیا و همچنین بر سر ترویج هرچه بیش‌تر ایدئولوژی‌های سیاسی مطلوب خود با استفاده از ابزار سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیک. آن‌ها برای حفظ برتری خود بر رقیب به دفعات جاسوس‌ها را وارد عمل کردند و دست به عملیات جاسوسی زدند.

مورخان بر سر معرفی کشور آغازکننده جنگ سرد و دلیل آن نیز اختلاف نظر دارند. بر مبنای باور رایج در دهه ۱۹۵۰، تجاوز شوروی به اروپای شرقی عامل بروز جنگ سرد بود. در دهه ۱۹۶۰ دیدگاه دگراندیشانه‌ای مطرح شد که اقدام مداخله‌جویانه آمریکا را در گسترش تجارت و نفوذ سیاسی در اروپای شرقی — با عنایت به منافع روسیه در منطقه — مشکل اصلی معرفی کرد. این گروه از مورخان معتقدند که روسیه صرفاً دست به اقدامی زد که رویه هر قدرت دیگری است؛ ارجحیت بخشیدن به حفظ منافع ملی با تسلط بر اروپای شرقی. مورخان پس‌دگراندیش هر دو طرف را مقصر می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که استالین بیش‌تر علاقمند به حفظ منطقه حائل بین روسیه و غرب بود تا سلطه بر جهان، اما در عین حال معتقدند که قدرت‌های غربی در آن برهه از این امر

اطمینان‌خاطر نداشتند و به همین دلیل مقاصد استالین را تهدیدی برای غرب قلمداد می‌کردند.

فارغ از این‌که کدام کشور را مقصر معرفی کنیم، مسلماً هیچ‌یک از دو طرف تمایلی به وقوع "جنگ داغ" نداشتند. زخم‌های پس از جنگ جهانی دوم (۴۵-۱۹۳۹) هنوز التیام نیافته بود و دستیابی هر دو قدرت برتر به بمب هسته‌ای — آمریکا در ۱۹۴۵ و شوروی در ۱۹۴۹ — جنگ را به حادثه‌ای فوق‌العاده خطرناک تبدیل می‌کرد؛ سلاح‌های کشتار جمعی جنگی را از پی می‌آورد که حاصلی جز "نابودی قطعی طرفین" نداشت. با این حساب، چاره‌ای جز اجتناب از جنگ رودررو نبود. در عوض، هر دو طرف خود را سرگرم منازعات بین‌المللی در سراسر دنیا کردند، با ابزارهای تبلیغاتی و ترفندهای کثیف حریف را خوار و خفیف جلوه دادند، حمایت‌های مالی و نظامی خود را وقف پشتیبانی یا مهار کشورهای اقماری کردند و سعی در اثبات این امر داشتند که ایدئولوژی سیاسی مطلوب آن‌ها در نهایت حاکم میدان خواهد بود.

این درگیری امری فراتر از نمایش قدرت و تبلیغات بود: چندین برخورد خشونت‌آمیز و جنگ واقعی روی داد که زنگ خطر نبرد رویارو را به صدا درآورد. محاصره برلین و امدادرسانی هوایی به این شهر (۹-۱۹۴۸)، جنگ کره (۳-۱۹۵۰)، بحران موشکی در کوبا (۱۹۶۲)، جنگ ویتنام (۷۲-۱۹۶۴) و تهاجم شوروی به افغانستان (۸۹-۱۹۷۹) همه و همه قابلیت تبدیل شدن به جنگ "داغ" را دارا بودند. در جریان این درگیری‌ها، تلاش‌های بسیاری برای تنش‌زدایی صورت گرفت. نیکسن، رئیس‌جمهور آمریکا، با هر دو کشور روسیه و چین وارد مذاکره شد؛ لیانیت برژنف در خصوص برخی مسائل خاص خواهان ایجاد روابط بهتر با ایالات متحده بود. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و با هجوم اتحاد شوروی به افغانستان، روند ذوب شدن یخ‌های روابط دو کشور متوقف شد. ریگن که بر سر کار آمد، آمریکا موضع سخت‌گیرانه‌تری در برابر شوروی اتخاذ کرد و هزینه نظامی خود را فوق‌العاده افزایش داد.

در ۱۹۸۵ میخائیل گورباچف بانی سلسله‌ای از اصلاحات اقتصادی در کشور شد که آن را پرسترویکا می‌نامند. وی همچنین با سیاست گلاسنوست